

آنومی سیاسی در ایران امروز و راهکارهای مواجهه با آن از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه

محمدرضا فریدونی^{*۱}

مجتبی پاشائی علیزاده^۲

چکیده

هدف: آنومی سیاسی یکی از مسائل اصلی دولت‌های امروزی به ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران است که طی آن، پایبندی شهروندان به هنجارها، قوانین و سیاستگذاری‌ها با چالش مواجه شده است. بنابر همین اهمیت، احصای راهکارهای مواجهه با آنومی سیاسی در ایران امروز از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، هدف اصلی این پژوهش می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش: در این پژوهش برای احصای راهکارهای مواجهه با آنومی سیاسی از روش «تحلیل مضمون» بهره برده شده است.

یافته‌ها: تطابق و سازگاری با آیین زمانه، احترام به فرهنگ، قوانین و سنت‌های گذشتگان، تناسب قوانین با توانایی‌ها و قابلیت‌های شهروندان، نهادینه‌سازی امر به معروف و نهی از منکر، تقویت روحیه بردباری در مسئولین، مبارزه با فقر و محرومیت‌های اجتماعی، ساده‌زیستی مسئولین، شکل‌گیری فرهنگ تفکر انتقادی در جامعه، شایسته‌سالاری، برخورد با کارگزاران رشوه‌بگیر و خیانت‌پیشه، ارجحیت اصول و قوانین بر مصلحت‌اندیشی‌ها، حساسیت مسئولین نسبت به بیت‌المال و عدم سوءاستفاده مسئولین از مناصب و موقعیت‌های دولتی به عنوان راهکارهای مواجهه با آنومی سیاسی استخراج گردیدند.

نتیجه‌گیری: غفلت از مسأله آنومی سیاسی می‌تواند آینده نظام‌های سیاسی را با چالش‌های متعددی از جمله کاهش مشارکت سیاسی، کاهش مشروعیت و حتی فروپاشی مواجه سازد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از بیانات حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه، یافته‌های فوق را جهت مواجهه با این مسأله احصا نموده است.

کلیدواژه‌ها: آنومی سیاسی، قوانین سیاسی، مشروعیت، ناهنجاری، نهج البلاغه.

Email: mr.fereydooni@basu.ir

Email: mojtaba854@gmail.com

۱- استادیار گروه الهیات دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده

مسئول)

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶

مقدمه

امروزه، آنومی سیاسی یکی از مسائل مهم نظام‌های سیاسی است که طی آن، رابطه شهروندان با قوانین، سیاستگذاری‌ها و هنجارهای سیاسی مخدوش گردیده؛ الزامات حکومتی کارایی خود را از دست داده و در نتیجه، تقید افراد نسبت به نظام‌های سیاسی تضعیف شده است. تجلیات آنومی سیاسی را می‌توان در مواردی همچون عدم تبعیت‌پذیری شهروندان از نظام‌های سیاسی، عدم درگیری در پدیده‌های سیاسی اجتماعی، بی‌توجهی به منافع ملی، قانون‌گریزی، عدم مشارکت سیاسی، رفتارهای اعتراض‌آمیز، طعنه‌زنی سیاسی، به سخره گرفتن مقامات مسئول و... مشاهده کرد.

همان‌طور که احساس تعلق، وفاداری و تبعیت‌پذیری شهروندان از نظام‌های سیاسی، پیش‌شرط رشد و توسعه جوامع تلقی می‌گردد و موجب حفظ انسجام ملی و اعتلای یک کشور محسوب می‌شود، درمقابل؛ رخداد آنومی سیاسی، می‌تواند نظام سیاسی را با چالش‌های متعددی از جمله تضعیف توسعه ملی، اضمحلال سرمایه اجتماعی، کاهش مشارکت سیاسی، بحران مشروعیت و حتی فروپاشی مواجه سازد.

اگر چه مسائلی همچون ناکارآمدی مسئولین، بی‌اعتنایی به خواسته‌های شهروندان، معضلات اقتصادی و سیاستگذاری‌های غلط، همواره از عوامل ایجاد آنومی سیاسی بوده‌اند، اما در جوامع معاصر، روند سریع تحولات اجتماعی و ظهور نیازها، درخواست‌ها، ذائقه‌های جدید شهروندی و ناتوانی حاکمان سیاسی در سازگاری، تطابق و مواجهه با آن نیازها، سیطره آنومی سیاسی را بیش‌ازپیش تشدید نموده است.

متاثر از این وضعیت، در کشور جمهوری اسلامی ایران، نشانه‌ها و شواهد روشنی از رخداد پدیده آنومی-سیاسی به‌ویژه در سال‌های اخیر به چشم می‌خورد که از جمله می‌توان به کاهش مشارکت سیاسی در انتخابات اخیر، اغتشاشات و ظهور تجمعات غیرقانونی، اقدام به کشف حجاب، شعارهای ساختارشکن، تلاش برخی از شهروندان جامعه در جهت نهادینه‌سازی ازدواج سفید و...، اشاره کرد. کمالینکه نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در این باره، وجود آنومی سیاسی در کشور را تایید می‌کند.

بدیهی است که غفلت از این مهم (آنومی سیاسی)، می‌تواند به کاهش وفاداری شهروندان، قانون-گریزی، به چالش کشیده شدن امنیت ملی و نهایتاً به زیر سؤال رفتن مشروعیت نظام اسلامی منجر گردد. با عنایت به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر درصدد است با رویکرد سیاست‌پژوهانه؛ حاکمان، مسئولین و دلسوزان نظام اسلامی را در مواجهه با مساله آنومی سیاسی یاری رساند و از این‌رو به این سؤال اساسی پاسخ دهد که: «مطابق با بیانات حضرت‌علی‌علیه‌السلام در کتاب نهج‌البلاغه چه راهکارهایی را می‌توان برای رفع یا تقلیل آنومی سیاسی در ایران امروز اتخاذ کرد؟»

پیشینه تحقیق

به‌طور کلی آثار موجود در زمینه آنومی به ترتیب فراوانی در سه طیف قابل طبقه‌بندی است: ۱. آثاری که به وضعیت آنومیک در سازمان‌ها پرداخته‌اند (آنومی سازمانی) ۲. آثاری که آنومی اجتماعی را در جوامع

آماري مختلف بررسی کرده‌اند. ۳. محدود آثاری که آنومی سیاسی را مورد هدف قرار داده‌اند. با توجه به تطابق موضوع حاضر با آثار طیف اخیر، از مهمترین آثار مورد بررسی در این طیف، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. کتاب «آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران»، به قلم فرامرز رفیع‌پور (۱۳۸۷) به تحلیل وضعیت آنومیک در مناطق بیست‌گانه شهر تهران پرداخته است. مهمترین پرسش‌های این کتاب عبارت‌است از: آیا در جامعه ایران، آنومی و هنجارگریزی وجود دارد؟ چه عواملی منجر به وضعیت آنومیک در ایران شده‌است؟ و نهایتاً این که مهم‌ترین عوامل بازدارنده وضعیت آنومیک کدامند؟ یافته‌های نویسنده در جهت پاسخ به سؤالات فوق عبارتند از: آنومی در جامعه ما وجود دارد. رابطه نزدیکی بین وضعیت دشوار اقتصادی و آنومی برقرار است و هنجارهای مذهبی مهم‌ترین عامل کاهنده، در آنومی به شمار می‌آید.

۲. مقاله «مطالعه آنومی‌سیاسی در بین دانشجویان ایرانی» توسط صدقتی‌فرد (۱۳۹۰) با روش پیمایشی به بررسی وضعیت آنومی سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی پرداخته است. یافته‌های تحقیق حکایت از حد بالاتر از متوسط آنومی سیاسی در بین مخاطبین دارد. یافته‌های دیگر، مشاهده احساس اثر بخشی پایین‌تر از حد متوسط، ناعادلانه بودن قواعد در حد نزدیک به متوسط و متغیر فردگرایی در سطح متوسط بوده است.

۳. «آنومی سیاسی در اندیشه دورکیم^۱» عنوان مقاله دیگری است که توسط رجب‌زاده و کوثری (۱۳۸۱) به رشته تحریر در آمده است. نگارندگان با کنکاش در آثار و اندیشه‌های دورکیم مفهوم آنومی سیاسی را وضعیت و حالت جامعه‌ای دانسته‌اند که در آن رابطه دولت شهروند به هم خورده باشد و شهروندان تمایلی به تبعیت از قوانین برای خود قائل نباشند.

۴. مقاله «بررسی عوامل موثر بر احساس آنومی (بی‌هنجاری) سیاسی مطالعه موردی: شهروندان استان ایلام» توسط نوابخش و نوریان‌فر (۱۳۹۵) با روش توصیفی-پیمایشی به بررسی عوامل موثر بر احساس آنومی سیاسی در بین شهروندان استان ایلام پرداخته است. یافته‌های تحقیق از تاثیر سه متغیر رشد شتابان اقتصادی، ناعادلانه بودن قواعد، متغیر سکولاریزم بر احساس آنومی سیاسی شهروندان به ترتیب در حد متوسط به بالا، در حد متوسط و بسیار پایین‌تر از حد متوسط حکایت دارد.

۵. «نقش سرمایه اجتماعی در میزان بیگانگی سیاسی شهروندان تهرانی» عنوان مقاله‌ای است که توسط کریمیان و غفوری (۱۳۹۹) با استفاده از روش پیمایش به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و بیگانگی سیاسی پرداخته است. این مقاله ضمن کشف رابطه معنادار بین متغیرهای مذکور، نشان‌دهنده همبستگی بیشتر مولفه اعتماد اجتماعی با بیگانگی سیاسی در میان سایر مولفه‌های سرمایه اجتماعی، بوده است.

۶ «تحلیل تاثیر وضعیت آنومیک جامعه ایرانی در نامساعد بودن شاخص‌های صلح در کشور (در افق سال ۱۴۰۰)» توسط کریمی و همکاران (۱۴۰۰) در تلاش برای پاسخ به این سؤال اصلی برآمده که وضعیت نامساعد ایران از نظر شاخص‌های جهانی صلح، چگونه از آنومی متاثر است؟ نتایج حاصله نشان داده است که همه قومیت‌ها- البته با کمی تفاوت- سطح بالایی از آنومی را تجربه می‌کنند و همچنین نسبت معناداری میان آنومی و صلح، بالاخص در بعد داخلی برقرار است.

همان‌طور که مشخص است، آثار موجود در موضوع آنومی سیاسی، صرفاً به اثبات وجود آنومی سیاسی در جوامع آماری مختلف پرداخته‌اند و یا اینکه تنها، تاثیر متغیرهای مختلف را در سطح آنومی مورد سنجش قرار داده‌اند. نوآوری پژوهش حاضر آن است که ضمن تلقی آنومی سیاسی به عنوان یک از معضلات اساسی حکمرانی در ایران امروز، تلاش می‌کند راهکارهای مواجهه با آن را با بهره‌گیری از فرمایشات حضرت علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه ارائه دهد.

مفهوم‌شناسی آنومی سیاسی

آنومی (anomie) واژه‌ای یونانی- لاتینی است که حرف «a» در آن به معنی «بی» یا «فقدان» و «nomos» به معنای قاعده، نظم، قانون یا هنجار است (رفیع پور، ۱۹۹۹: ۱۳). این واژه یکی از مفاهیم کلیدی در ادبیات جامعه‌شناسی است که برای نخستین بار توسط امیل دورکیم و سپس توسط مرتن برای توصیف مسائل هنجاری جوامع مدرن به کار گرفته شده است (خضولو و مولایی: ۲۰۱۳: ۴۱۴). آنومی در جامعه‌شناسی به وضعیتی اشاره دارد که هنجارها و قوانین، قدرت تنظیم‌کنندگی خود را بر رفتار افراد جامعه از دست داده و افراد نسبت به هنجارهای موجود بی تفاوت شوند (دورکیم به نقل از رجب‌زاده و کوثری، ۲۰۱۲: ۳۲۴). درواقع آنومی اجتماعی به فرسایش یا بی‌اعتبار شدن باورها، ارزش‌ها و آداب و رسوم در جامعه اشاره دارد.

آنومی سیاسی، آن بخش از آنومی اجتماعی است که رابطه دولت- ملت را مورد هدف قرار می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر، آنومی سیاسی وضعیتی است که قواعد یا هنجارهای جامعه سیاسی، به ویژه قوانین اساسی که حقوق و وظایف متقابل دولت و شهروندان را مشخص می‌سازد، دیگر برای شهروندان الزام‌آور نیستند و پیروی از آنها برای آنان مطلوبیتی ندارد (رجب‌زاده و کوثری، ۲۰۱۱: ۳۱). در تعبیری دیگر، چنانچه هنجارها و قوانین وضع شده توسط مسئولین سیاسی، قدرت تنظیم‌کنندگی خود را بر رفتار شهروندان از دست بدهد و یا افراد نسبت به آنها بی تفاوت شوند آنومی سیاسی تحقق می‌یابد. همچنین گفته شده است آنومی سیاسی پیامد رشد مطالبات نوین در دنیای امروز است که نظام سیاسی توان پاسخگویی به آنها را ندارد (صداقتی فرد، ۲۰۱۰: ۱۱۹).

بر این اساس، آنومی سیاسی، مبین خصایص جامعه‌ای است که در آن، وفاق شهروندان با دولت مختل شده، رابطه بین فرهنگ سیاسی رسمی (فرهنگ سیاسی مطلوب) و غیررسمی (فرهنگ سیاسی موجود) دچار ناهمسویی گشته، قداست آرمان‌ها و هنجارهای سیاسی زیر سؤال رفته، وفاداری مردم به دولت

کاهش و عمل به قوانین و مقررات سیاسی توسط شهروندان تضعیف گردیده است و در نتیجه‌ی چنین وضعیتی، عملکرد مقامات سیاسی در کنترل رفتار و پاسخ به نیازهای شهروندان مختل گردیده است.

چارچوب نظری

مسئله آنومی سیاسی به عنوان یکی از پدیده‌های مهم در ادبیات جامعه‌شناسی را باید در ذیل نظریات کارکردگرایان و به‌طور خاص نظرات بنیانگذار این مکتب، امیل دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۷) مورد بررسی قرار داد. پارادایم کارکردگرایی، بیانگر دیدگاهی است که در جامعه‌شناسی نظم ریشه دارد و از رویکردی عینی‌گرا به بحث در جامعه‌شناسی می‌پردازد.

دورکیم انسان‌ها را بر خلاف سایر جانداران، موجودی سیری‌ناپذیر دانسته و حدی برای آرزوهای انسان قائل نیست و توان لجام نهادن بر این وضعیت از عهده خود انسان خارج است. لذا تنها راه برای مدیریت چنین وضعیتی، بهره‌جستن از حربه نظارت اجتماع (قوانین دولت) است و قوانین جامعه به طور شایسته‌ای از عهده آن برآمده است. حال، از نظر دورکیم هرگاه شیرازه تنظیم‌های اجتماعی بگسلد، بی‌ضابطگی کل جامعه را فراخواهد گرفت و افراد جامعه حدی برای خود قائل نشده و هر کسی تنها هدف شخصی‌اش را دنبال خواهد نمود، دروکیم چنین حالتی را وضعیت آنومیک نام نهاده و آن را حاصل تحولات و تغییرات سریع در ساختار اجتماعی می‌داند (پویافر، ۲۰۱۸: ۶۴). منظور دورکیم از تغییرات، تغییرات شتاب زده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ناشی از سیر تحول از جوامع سنتی به جوامع مدرن (سیرتحول جوامع مکانیک به ارگانیک) است که در طی آن سنت‌ها، هنجارها، قوانین و عقاید سنتی ضعیف‌تر می‌شود و در نتیجه آن وضعیت آنومیک ارگانیکی جایگزین همبستگی مکانیکی و سنتی می‌شود (دورکیم، ۲۰۰۹: ۲۴۷).

به این ترتیب، درک دورکیم از آنومی، ناشی از دغدغه و نگرانی او در مورد عوارض و پیامدهای خطرناک گذر از جامعه سنتی به جامعه صنعتی و ظهور سیستم تقسیم کار جدید است. از نظر وی، در فرآیند صنعتی شدن جوامع و نیاز به تقسیم کار جدید، هنجارهای اجتماعی سابق ضعیف شده یا در تضاد با هم قرار می‌گیرند و خلاصه آنکه، شرایط درهم و برهم ریخته‌ای ایجاد می‌شود که نتایج آن به صورت‌های مختلفی نظیر خودکشی و فردگرایی شدید نمایان می‌گردد. وی این بحران را شاهدی بر عدم انسجام اجتماعی یا همان وضعیت آنومیک می‌داند (دورکیم، ۲۰۱۱: ۴).

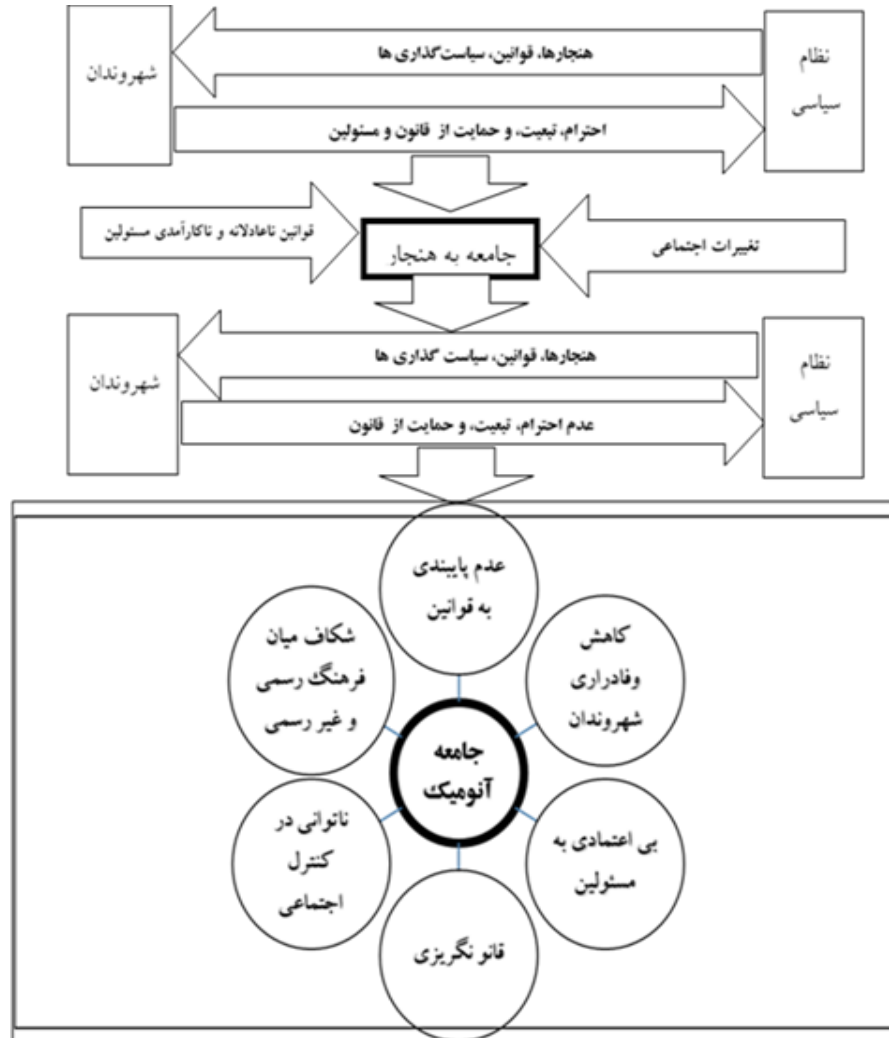
«تاعادلانه بودن اصول و قواعد» دیگر عامل آنومی از نظر دورکیم بود. به نظر وی وجود قواعد مشترک یا وفاق در هنجارها، مشکل اراده ستمگر و فزون طلب بشر را حل نمی‌کند. وجود قواعد کافی نیست بلکه قواعد باید درست و عادلانه باشند به گفته وی «وجود قواعد به تنهایی کافی نیست زیرا گاهی خود این قواعد منشأ شرنده» (همان: ۳۹۹). در این معنا، وقتی افراد جامعه با قوانینی مواجه شوند که

مصلحت و نفع همه به اندازه برابر در نظر گرفته نشده باشد، در پیروی از آن دچار تشکیک و نافرمانی و در نتیجه آنومی می‌شوند.

طبق آنچه که گفته شد؛ دورکیم، «تغییرات سریع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی» و «غیر عادلانه بودن هنجارها و قوانین» را به عنوان دو مسبب اصلی آنومی در جوامع زمان خویش (جوامع قرن ۱۹) دانسته است. نگارندگان پژوهش حاضر، ضمن پذیرش و الهام از ادعای دورکیم مبنی بر نقش تغییرات سریع در ایجاد وضعیت آنومیک، معتقدند زمانه فعلی، از آنچه که دورکیم به عنوان دوران گذار به جامعه ارگانیکی، نام می‌برد عبور کرده و با دوران گذار دیگری به نام‌های گذار به «عصر جهانی شدن»، «عصر اطلاعات» و یا «عصر رسانه» مصادف شده است. از این رو، بکارگیری تئوری آنومی دورکیم برای جوامع معاصر به ویژه ایران امروز، نیازمند بازنگری، بروزرسانی و تطابق با تحولات کنونی است. بر همین اساس در پژوهش حاضر، وضعیت آنومیک در ایران امروز نه در بستر «گذار به جوامع صنعتی» بلکه در مواجهه با مسائل نوین‌تری از جمله، رسانه‌ای شدن جوامع و جهانی شدن، تبیین می‌شود.

واقعیت آن است که متأثر از نظامات رسانه‌ای، گستردگی تحولات جدید، تمام شئون زندگی بشر را فراگرفته، تا جایی که برخی از صاحب‌نظران، تحولات کنونی را بزرگترین رخداد تاریخ بشری در نظر گرفته‌اند (فرهادی محلی، ۲۰۱۳: ۶۴). به تعبیر دیگر، امروزه متأثر از پیشرفت‌های اطلاعاتی و ارتباطی، مرزهای دولت ملی کمرنگ شده، سلطه قوانین و هنجارهای سیاسی تضعیف گردیده و حاکمیت درونی دولت‌های ملی به نفع فرهنگ جهانی دگرگون شده است (جلال پور و همکاران، ۲۰۱۴: ۳۵). دگرگونی‌ای که فرصت هنجاری شدن و انطباق با شرایط جدید را از دولت‌ها گرفته (شیانی و محمدی، ۲۰۰۶: ۱۲) و موجب شکل‌گیری صور نامنظم و بی‌قاعدگی شده است و چنین شرایطی، رشد نابهنجاری‌ها، انحرافات اجتماعی و سیاسی را در پی داشته است (کلدی و رحمانی، ۲۰۰۶: ۱۹۲).

از دیگر نشانه‌های آنومی سیاسی در مواجهه با شرایط جدید، می‌توان به انتقال وفاداری‌های شهروندان از حکومت ملی به نهادها و سازمان‌های فوق ملی و جهانی، کمرنگ شدن ناسیونالیسم (قوام، ۲۰۰۰: ۳۴) به چالش کشیدن شاکله‌های هویتی (کرمی ناوه‌کش و علیپور، ۲۰۱۳: ۱۱۶) و مسئله‌مند کردن اختیارات و توانایی‌های دولت که همواره فعال مایشاء بود، اشاره کرد (جمشیدی‌راد، ۲۰۰۸: ۱۳۵). بنابر آنچه گفته شد الگوی نظری تحقیق در قالب شکل زیر به نمایش درآمده است:



شکل ۱: الگوی نظری تحقیق

روش‌شناسی

از آنجا که در این تحقیق، نگارندگان در صدد ارائه راهکار برای حل مساله آنومی سیاسی هستند، پژوهش حاضر از نوع «تحقیقات کاربردی» است. برای نائل آمدن به راهکارها نیز از روش «تحلیل مضمون» که روش علمی برای تفسیر متن است، استفاده شده است. روش تحلیل مضمون یک روش کارآمد در حوزه علوم‌دینی و به‌ویژه متون حدیثی است که وظیفه آن، تفسیر، تحلیل و قرار دادن اجزای یک متن از جمله

کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و مانند آن برای رسیدن به فهم منسجم از یک موضوع است (جانی‌پور و شکرانی، ۲۰۱۲: ۲۷ و ۲۹).

آنومی سیاسی در ایران امروز

همان‌طور که گفته شد، آنومی سیاسی یکی از مسائل اصلی حکمرانی سیاسی در جوامع امروزی است که بی‌توجهی به آن، می‌تواند نظام‌های سیاسی را با مسائل عدیده‌ای از بی‌نظمی اجتماعی گرفته تا فروپاشی مواجه سازد. در جمهوری اسلامی ایران، مواردی همچون نوع خاص نظام سیاسی (نظام سیاسی دینی)، شیطنت و شبهه‌افکنی‌های دشمنان، شکاف ادراکی، جنگ شناختی، روایت‌های مغرضانه، القای ناکارآمدی و... مسئولین نظام سیاسی را در معرض آنومی فزاینده‌تری قرار داده است.

از دیگر مسأله‌ها و نشانه‌های مرتبط با آنومی سیاسی در ایران امروز می‌توان به کاهش اعتماد سیاسی، ناکارآمدی، فساد سیاسی در برخی از نهادها، عدم برخورد شایسته با خاطیان و اختلاسگران نظام اقتصادی، انحصارگرایی اقتصادی و دولتی، فشل بودن نظام بوروکراسی، تحریم‌های ظالمانه، عدم اجماع نخبگانی و ضعف در حاکمیت قوانین اشاره کرد (رهبر، ۲۰۲۲: ۱۴۵).

جدول زیر حاوی مشخصات و نتایج برخی از پژوهش‌های مورد بررسی قرار گرفته هستند که جملگی بر رخدادهای سطوحی از آنومی سیاسی در ایران امروز دلالت دارند.

جدول ۱: نتایج پژوهش‌های مرتبط با آنومی سیاسی در ایران امروز

ردیف	عنوان مقاله / نگارندگان	اظهارات / یافته‌ها / نتایج
۱	در آستانه آنومی سیاسی در ایران / بشیریه (۱۳۸۴)	تعارض و ناهمسویی بین ایدئولوژی رسمی و کردارهای عمومی
۲	بررسی پتانسل آنومی و زمینه‌های بروز آن در شهر کرمانشاه / امجدیان (۱۳۸۴)	فراهم بودن شرایط آنومی قوی در کرمانشاه
۳	تحلیلی بر احساس آنومی فردی در میان جوانان با تأکید بر جنسیت / شیانی و محمدی (۱۳۸۸)	مشاهده نسبت قابل توجهی از وضعیت آنومیک در بین دختران و پسران
۴	مطالعه آنومی سیاسی در بین دانشجویان ایرانی / صدقاتی (۱۳۹۰)	مشاهده وجود آنومی سیاسی بالاتر از حد متوسط در بین مخاطبین
۵	تأثیر آنومی و زیست‌بوم جنایی بر جرایم خیابانی شهرستان اهواز از سال ۸۸ تا ۹۳ / قاسمی مقدم و همکاران (۱۳۹۴)	مشاهده فشار ناشی از عدم تطابق هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت‌های اجتماعی
۶	آنومی نهادی خانواده به مثابه منبعی برای الگوی توسعه و پیشرفت / پروین (۱۳۹۵)	وضعیت آنومیک خانواده‌ها در مواجهه با نهاد اقتصادی و فضای مجازی

۷	نقش سرمایه اجتماعی در میزان بیگانگی سیاسی شهروندان تهرانی / کریمیان و غفوری (۱۳۹۹)	پایین بودن اعتماد اجتماعی و تاثیر به سزای آن بر بیگانگی سیاسی (آنومی) در شهروندان
۸	تاثیر آنومی بر سبک‌مند شدن زندگی / دهقانیان (۱۳۹۹)	کاهش فشار و نفوذ هنجارهای سنتی و رسمی (سیاسی) در شکل‌دهی به رفتارها

راهکارهای مواجهه با آنومی سیاسی در نهج البلاغه

با الهام از نظریه دورکیم مبنی بر نقش و تأثیر «تغییرات اجتماعی» و «قوانین ناعادلانه» در ایجاد آنومی و همچنین کاربست «روش تحلیل محتوا» در بیانات حضرت امیرعلیه‌السلام در کتاب نهج‌البلاغه، راهکارهای زیر جهت مقابله با آنومی سیاسی احصا شد:

سازگاری و هماهنگی با تغییرات زمان

مناسبات و روابط اجتماعی در جوامع امروزی در مواجهه با پدیده‌هایی مانند انقلاب‌اطلاعات و ارتباطات، تحقق دهکده جهانی و سیطره وسایل ارتباط جمعی با تغییرات بنیادینی مواجه شده است. از این‌رو بر مسئولین است که در تصویب قوانین، سیاست‌ها و به کارگیری ابزارهای کنترل اجتماعی، متناسب با اوضاع زمانه اقدام نمایند. حضرت علی علیه‌السلام در این باره تأکید فرموده‌اند: «تلاش کن تا هرکاری را در جای خود، و در زمان مخصوص به خود انجام دهی» (نامه ۵۳). همچنین، حضرت انسان‌ها را فرزند زمان معرفی می‌نمایند و می‌خواهد آنها مطابق زمان پیش‌روند (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۷۳). واقعیت آن است که نسل امروز، به ویژه نوجوانان و جوانان امروزی که از آنها به عنوان «بومیان دیجیتال» نیز یاد می‌شود، نسلی هستند که از ابتدای تولد با اینترنت و رسانه‌های اجتماعی سروکار داشته‌اند، لذا این انتظار که آنها مطابق با الگوهای رفتاری نسل‌های پیشین عمل کنند، بسی خطاست. حضرت در این باره می‌فرمایند: «آداب خود را به فرزندان خویش تحمیل نکنید، زیرا همانا ایشان، برای زمان شما آفریده نشده‌اند» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق، جلد ۲۰: ۲۶۷).

براین اساس، تطابق قوانین و سیاست‌گذاری‌ها با تحولات نوین اجتماعی امری لازم و بدیهی است. البته در اینجا منظور از سازگاری و هماهنگی با تحولات، به معنای اعتماد مطلق و تسلیم شدن در برابر دگرگونی‌های زمان و شرایط نیست بلکه منظور آن است انسان‌ها باید رفتارهای اعتدال‌گونه‌ای داشته باشند تا در جریان روزگار دستخوش انحراف نگردند. منظور حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز عدم غفلت از تحولات زمانه است، چنان‌که می‌فرمایند: «آن‌کس شناختش به زمان خویش بیشتر است که از رویدادهای آن دچار شگفتی نشود» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۰۹).

احترام به فرهنگ، قوانین و سنت‌های اجتماعی

تا زمانی که فرهنگ و آداب و رسوم و آنچه که به نام سنت از گذشتگان به ما رسیده است احکام الهی را کنار نزند، قابل احترام است و باید با آن همنوایی و سازگاری نمود (رک: خطبه ۱۴۵). برای نمونه، اسلام رعایت حجاب را بر هر زن و مرد مسلمانی لازم دانسته است ولی شیوه رعایت آن را تا جایی که با مرز آن حکم شرعی تداخل نداشته باشد، به آداب و فرهنگ اجتماعی واگذار نموده است (ابوترابی، ۲۰۰۷: ۳۲۸). امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در این زمینه خطاب به فرزندشان می‌فرماید: «ای حسین! هر گاه در شهری دیگر بودی با آداب مردم آن منطقه زندگی کن» (زمانی، ۱۹۹۰: ۴۹). همچنین حضرت، مالک را از سنت‌زدایی و هرگونه اقدامی که سنت‌های نیک گذشتگان را تضعیف کند، نهی کرده است: «سنت نیکویی را که بزرگان این امت به آن عمل کرده‌اند و رعیت بر آن سنت به نظام آمده و حالش نیکو شده است، مشکن و سنتی میاور که به سنت‌های نیکوی گذشته زیان رساند، آن گاه پاداش نیک بهره‌کسانی شود که آن سنت‌های نیکو نهاده‌اند و گناه بر تو ماند که آنها را شکسته‌ای» (نامه ۵۳). طبق این سخن حضرت، اهمیت آداب و رسوم مردمان یک جامعه، تا حدی است که ضمن لزوم احترام، بایستی از آن در عمل نیز پیروی کرد. از این جهت بایستی قانونگذاری‌ها و طرح‌های اتخاذ شده با شرایط و آداب و رسوم آن جامعه - تا جایی که با حکم صریح خداوند متعال در تعارض نباشد - تطابق داشته باشد.

تناسب انتظارات با توانایی‌ها و قابلیت‌های شهروندان

از آنجا که سطوح توانایی و قابلیت انسان‌ها، متفاوت، متنوع و متکثر است لذا توقع و انتظار اینکه همه‌ی آنها باید به طور یکسان و همچون شهروند مطلوب و قانونمدار رفتار کنند نابجاست. بر این اساس امام علی (علیه‌السلام) در نامه‌ای به عثمان بن حنیف می‌فرماید: «بدان پیشوای شما از دنیای خود به دو جامه‌ی فرسوده و دو قرص نان بسنده کرده است، بدانید که شما چنین نتوانید کرد» (نامه ۴۵). بر این اساس اگر انتظارات نظام سیاسی نسبت به افراد جامعه یکسان باشد، بدیهی است که برخی از افراد از هماهنگی با دیگران جا مانده و احساس ذلت و ناکارآمدی در آنها به وجود خواهد آمد و غافل شدن از این نکته زمینه‌ساز هنجارگریزی را فراهم خواهد آورد. بنابراین «از همه نباید انتظار داشت که همه‌ی هنجارها و آداب را رعایت کنند، خیر، هر کسی ظرفیت و استعداد خاصی دارد که باید براساس آن مشی کند» (شکوهی، ۲۰۱۰: ۲۷۷). از این جهت است که نظام تشویق و تنبیه باید طبق قانون و ملاحظه توانمندی‌های خاص و متناسب با شخصیت و ویژگی‌های فردی مثل سطح فهم فرد، خلق و خو و نحوه رفتار او تنظیم گردد تا اثر مطلوبی بر جای گزارد. حضرت، در این زمینه سخن جالب و پر مغزی دارند. ایشان می‌فرمایند: «کیفر دادن خردمندان، به اشاره است و کیفر دادن نادانان به تصریح» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۴۶۶). عدم تناسب بین انتظارات حاکمان و قوانین موجود با قابلیت‌های شهروندان، منجر به نهادینگی قانون‌گریزی، هنجارشکنی و کاهش سطح وفاداری شهروندان به نظام سیاسی شده و در نهایت فضای آنومیک در جامعه را تقویت خواهد کرد.

نهادینه‌سازی سنت امر به معروف و نهی از منکر

نظام مراقبت اجتماعی، نقش مهمی در اصلاح رفتار جامعه و جلوگیری از شیوع ناهنجاری‌های سیاسی و اجتماعی دارد. حضرت امیرعلیه‌السلام علاوه بر تأکید بر نظارت‌های رسمی که در حیطه وظایف امراء و مسئولین است، نظارت اجتماعی عمومی و غیردولتی را که همان سنت امر به معروف و نهی از منکر است، از عوامل رشد و تعالی و یا انحطاط و سقوط جوامع معرفی می‌کند. حضرت در این باره می‌فرماید: «گذشتگان به این دلیل هلاک شدند که مرتکب گناه می‌شدند و رهبران و پیشوایان مذهبی، آنان را از آن منع نمی‌کردند ... لذا مجازات‌های خداوند شامل حالشان گردید» (شیخ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، جلد ۱۶: ۱۲۰). همچنین از نگاه حضرت، توصیه به نیکی‌ها و منع از تخلفات شرعی و اجتماعی، علاوه بر آثاری که بر دیگران دارد، موجب تحکیم و تقویت باور و توجه خود آمران به معروف و ناهیان از منکر می‌شود: «پسرم در زندگی امر به معروف کن، کم‌کم خودت هم اهل معروف و نیکوکاران می‌شوی» (نامه ۳۱). در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر به این بیان پایانی از حضرت اکتفا می‌کنیم: «همه اعمال نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر بسان آب کمی است که از دهان هنگام دمیدن بیرون می‌آید در برابر دریای عمیق بیکران» (حکمت ۳۷۴).

مدارا، گشاده‌رویی و تقویت روحیه بردباری در مسئولین

مدارا و گشاده‌رویی مسئولین نوعی سیاست مصلحت جویانه است که در تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی نقش مؤثری ایفا می‌کند. به کارگیری این اصل مهم به رفع کدورت و اختلاف و تقویت وحدت ملی می‌انجامد (خیراللهی، ۲۰۱۲: ۱۶۵). امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «با مردم مدارا کن تا از برادری آنان بهره مند شوی و با روی گشاده با آنان مواجه شو تا کینه‌هاشان بمیرد» (آقاجمال انصاری، ۱۹۸۷، جلد ۷: ۱۰۳). در مقابل، پرخاشگری و فقدان روحیه تحمل در مواجهه با ناهنجاری‌های اجتماعی و سیاسی می‌تواند نظام سیاسی را با چالش‌هایی از جمله ایجاد بهانه در دست مخالفان جهت تحریک مردم بر علیه نظام منجر شود. امام علی علیه‌السلام ضمن لازم شمردن حفاظت از کرامت افراد، تحمل لغزش و خطای منحرفان، خطاب به حاکمان می‌فرماید: «بخشی از وقت خود را خاص کسانی کن که به تو نیاز دارند. خود را برای کار آنان فارغ دار و در مجلسی عمومی بنشین ... و درستی کردن و درست سخن نگفتن آنان را بر خود هموار کن و ... یعنی نفس را به شکیبایی وادار (نامه ۵۳).

ریشه‌کنی فقر، بی‌عدالتی و محرومیت‌های اجتماعی

ریشه بسیاری از بحران‌های اجتماعی، هنجارگریزی و قانون شکنی‌ها، در فقر و محرومیت‌های اجتماعی نهفته است. از این جهت، بسیاری از فیلسوفان و جامعه‌شناسان، علل بی‌نظمی و مسائل مهم نظام اجتماعی را در سازمان اقتصادی جوامع جستجو می‌کنند و منازعات سیاسی را ناشی از فقر، محرومیت، اختلاف طبقاتی و شکاف عمیق میان توانگران و تهیدستان می‌دانند. از نظر ارسطو، شکاف میان توانگران

با تهی‌دستان و کشمکش طبقاتی حاصل از آن، باعث بی‌ثباتی نظام سیاسی و باز ماندن از مسیر توسعه می‌شود (نقل از زیویار و جوکار، ۲۰۱۷: ۵۷-۵۸).

از این‌رو تبعات اجتماعی فاصله طبقاتی در جامعه باید مورد توجه قرار گرفته و راه‌حلهایی برای این مسأله ارائه شود، امام علی علیه‌السلام نخستین کسی بودند که فقر و غنا را، به‌عنوان مسأله‌ی مهم اجتماعی، عامل مهم در تضاد طبقاتی مطرح کردند و ریشه‌ی آن را در دو عبارت زیرخلاصه نموده‌اند: «روزی فقرا در میان اموال ثروتمندان است و کامیابی ثروتمندان در گرسنگی تهیدستان است» (حکمت، ۳۲۸). از این‌جاست که مسأله‌ی فقر و ثروت، به‌عنوان بارزترین مسأله اجتماعی، از روز اول خلافت علی(ع)، مورد توجه ایشان قرار می‌گیرد و مبارزه با تضاد طبقاتی را این‌گونه از حقوق خویش می‌شمارد: «مرا بر شما و شما بر من حقی واجب است، حق شما بر من، آن که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم». ایشان همچنین می‌فرمایند: «فقر به دین انسان زیان و نقصان می‌رساند، عقل و خرد آدمی را سرگردان می‌سازد و باعث کینه و دشمنی می‌شود» (حکمت ۳۱۹). تعبیر از فقر به «الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ» بسیار تعبیر تکان‌دهنده‌ای است که حضرتش در حکمت صد و شصت و سه به آن تصریح کرده است. عرصه دیگری که میزان عدالت محوری مدیران و دست‌اندرکاران جامعه را به نمایش گزارده می‌شود، عرصه قضا و داوری است که از آن به «عدالت قضایی» تعبیر می‌شود. موفقیت در این عرصه جز با وجود دستگاه قضایی مستقل، عدالت‌محور، مقتدر، قاطع و استوار قابل تحقق نیست. از این‌رو قضاوت یک منصب بسیار مهم و عهده‌دار پاسداری از جان و ناموس و حتی دین مردم است. در دین اسلام کسی که عهده‌دار منصب قضاوت می‌شود، باید بین دو طرف دعوا از همه جهت مساوات را رعایت نماید (موسوی و روحانی، ۲۰۱۲: ۱۹). امام علی علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید: «هر کس که در مقام قضاوت قرار گیرد باید در اشاره، نگاه و مجلس میان مردم با مساوات رفتار نماید» (الکلینی، ۱۴۱۱ق: ج ۷، ۴۱۳).

مشورت و بهره‌گیری از نظرات نخبگان فکری

نخبگان جوامع را می‌توان به دو دسته نخبگان ابزاری و نخبگان فکری تقسیم نمود. نخبگان ابزاری همان مسئولین و متولیان قدرت سیاسی و قدرت اقتصادی جامعه هستند. نخبگان فکری نیز افرادی هستند که اندیشه، فکر، روش‌های بهینه و تئوری تولید می‌کنند (سریع‌القلم، ۲۰۱۶: ۶۱). هر چند که لازم است تا نخبگان ابزاری نیز اهل اندیشه و تعقل باشند اما از آنجا که این دسته از نخبگان، غالباً با مسائل اجرایی سروکار دارند و بیشتر اوقاتشان صرف رتق ورتق مسائل اجرایی جامعه می‌گردد، ممکن است آن‌طور که باید فرصت کافی برای اندیشیدن درباره امور و درک و فهم صحیح از رخدادها را نداشته باشند (نقی‌امیری، ۲۰۱۶: ۵۵). از همین‌رو مشورت و بهره‌گیری از نظرات علما و نخبگان فکری قبل از تصویب طرح‌ها، لوایح و سیاستگذاری‌ها توسط مسئولین (نخبگان ابزاری) امری ضروری است. حضرت امیر در این باره خطاب به مالک می‌فرمایند: «با دانشمندان، زیاد به گفت‌وگو بنشین و با اندیشمندان نیز بسیار به بحث

بپردازد، درباره اموری که به وسیله آن، امور بلاد تو اصلاح می‌شود» (نامه ۵۳). البته باید توجه داشت کسی که مورد مشورت قرار می‌گیرد، باید انسانی شجاع، امین و خیراندیش باشد و دغدغه ای جز صلاح جامعه نداشته باشد. حضرت این موضوع را اینگونه گوشزد فرموده‌اند: «در رأی و اندیشه خود، آدم ترسو را شریک مساز که تصمیم تو را در کارها سست گرداند و برای توی چیزی را که بزرگ نیست بزرگ جلوه دهد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۷۵۶).

پرهیز حاکمان از تجمل‌گرایی

روحیه تجمل‌گرایی اعم از تجمل‌گرایی حاکمان یا شهروندان، وضعیت آنومیک را تشدید می‌کند. به این صورت که مسئول تجمل‌گرا نه تنها به منافع ملی و حقوق مردم نمی‌اندیشد، بلکه همواره در صدد تأمین منافع شخصی و گروهی خود است (زیویار و جوکار، ۲۰۱۷: ۵۵). حضرت علی(ع)، پیش از همه، این آسیب خطرناک را گوشزد کرده است، به عنوان نمونه هنگامی که امام پس از جنگ بصره بر یکی از یاران خود به نام علاء‌بن زیاد وارد می‌شود و خانه بسیار بزرگ و مجلل او را می‌بیند، با تعجب فراوان از او می‌پرسد که تو با این خانه بزرگ در دنیا چه می‌کنی؟! و می‌فرماید: خداوند بر پیشوایان حق و عدل واجب کرده که خود را با مردم ناتوان و بی‌بضاعت همسو کنند تا فقر و نداری، انسان تنگدست را به اعتراض و طغیان نکشاند و در نتیجه نظام سیاسی به وضعیت آنومیک دچار نگردد (خطبه ۲۰۹). بنابراین زندگی مادی و شخصی رهبران و مدیران باید به دور از هر گونه رفاه زندگی و تجمل، همانند زندگی مردم ضعیف باشد تا بدین واسطه بینش صحیح و واقع‌گرایانه‌ای از وضعیت فقرا و جامعه پیدا کرده و تصمیمات و سیاست‌هایی اتخاذ کنند که بتوانند رفاه اقتصادی نسبی را در جامعه ایجاد کنند. ساده‌زیستی مسئولین، حتی در صورت عدم امکان تأمین رفاه برای مردم، تحمل فقر و مشکلات را برای مردم آسان، از آثار منفی روانی و فرهنگی مردم جلوگیری، مشروعیت نظام را حفظ و منجر به زدوده شدن فضای آنومیک در جامعه می‌شود (علیخانی، ۱۹۹۸: ۴۱).

بصیرت‌افزایی در شرایط فتنه‌نا

مسیر تاریخی جوامع انسانی همواره بی‌خطر و خالی از دست‌انداز نیست، بلکه با گذشت زمان و در مواجهه با پدیده‌های مخرب اجتماعی ممکن است با آفت‌های متعدد و دشواری‌های بسیاری مواجه شوند. یکی از جمله این آفت‌ها به ویژه در جوامع اسلامی روبرو شدن با فتنه است که در آن، فضای اجتماعی به سبب آمیخته شدن حق و باطل، غبارآلود و گمراه‌کننده می‌شود (دهقانی، ۲۰۱۴: ۳۷). در فضای غبارآلود فتنه، در درستی قوانین، سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی تشکیک حاصل می‌شود و فضای جامعه به سمت آنومیک‌تر شدن حرکت می‌کند. حضرت امیر(علیه‌السلام) در وصف فتنه‌ها این‌چنین می‌فرماید: «فتنه‌ها آنگاه که روی آورند با حق شباهت دارند و چون پشت کنند حقیقت چنانکه هست، نشان داده می‌شود. فتنه‌ها چون می‌آیند شناخته نمی‌شوند، و چون می‌گذرند شناخته می‌شوند. فتنه‌ها چون گردبادها

می‌چرخند، از همه جا عبور می‌کنند، در بعضی از شهرها، حادثه می‌آفرینند و از برخی شهرها می‌گذرند» (خطبه ۹۳). از راهکارهای مواجهه شدن با فتنه‌ها از منظر حضرت امیر(علیه‌السلام) عبارت است از: تمسک به قرآن (خطبه ۱۷۶)، پند گرفتن از رخدادهای، روی آوردن به تأمل و اندیشه (خطبه ۱۵۳) و جدا کردن صف فتنه‌زدگان از سران فتنه چرا که هر فریب خورده‌ای را سرزنش نتوان کرد (حکمت ۱۵).

نهادینه‌سازی تفکر انتقادی در جامعه

انتقاد موجب اصلاح حاکم و حاکمیت است و بر اساس جمله معروف «النصيحة لائمة المسلمين»^۱ انتقاد به عملکرد مسئولین، امری ضروری است. شکل‌گیری فرهنگ انتقاد سازنده از مسئولین در بین شهروندان، حاکی از رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم و همچنین بیانگر احساس مسئولیت بیشتر مردم و حضور قوی تر آنان در صحنه سیاست است. انتقاد از مسئولین نه تنها نقص بر پیکره نظام سیاسی نیست بلکه مزیت‌هایی همچون آگاهی مسئولین از عیب‌ها و کاستی‌های خود، آشنایی با دغدغه‌های و ذائقه‌های شهروندان و پاسخگویی به موقع و متناسب از سوی مسئولین را در پی خواهد داشت. اهمیت و لزوم نقد حاکمان، به‌صراحت در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه به چشم می‌خورد: «با من آن‌سان که با ستمگران سخن می‌گویند، سخن نگویید. القاب پر طمطراق برایم به کار نبرید. آن ملاحظه‌کاری‌ها و موافقت‌های مصلحتی که در برابر مستبدان اظهار می‌دارند، در برابر من اظهار مدارید. با من به طریق سازشکاری معاشرت نکنید. گمان مبرید که اگر به حق سخنی به من گفته شود بر من سنگین آید... بنابراین از سخن حق یا نظر عادلانه خودداری نکنید» (خطبه ۲۱۶). با خوانش این خطبه می‌توان چنین گفت که وقتی حضرت علی علیه‌السلام به‌عنوان امام معصوم و نماد انسان کامل، چنین حق و جایگاهی را برای مردم در نظر گرفته‌اند، پس بر دیگر حاکمان است تا نظر و نگاه مردم را به‌عنوان صاحبان اصلی حاکمیت در تمام ارکان نظام سیاسی دخالت دهند.

واگذاری امور جامعه به افراد شایسته و نیکوکار

یکی از امور ضروری در حکومت‌ها، تعیین و حمایت از افراد شایسته برای تصدیگری مسئولیت‌هاست چرا که این امر موجب کاهش فساد اداری، تقویت عدالت اجتماعی و خوشبینی مردم و تبعیت آنان از قوانین و نظام سیاسی می‌شود. از منظر حضرت علی(علیه‌السلام) برای جامعه اسلامی هیچ خطری بالاتر از خطر بر سر کار آمدن افراد فاقد اهلیت یا کم‌صلاحیت نیست. حضرت در نامه‌ای به مصریان که به مالک اشتر فرستاد، این خطر را چنین گوشزد فرموده‌اند: «من بیم آن دارم که نابخردان و نابکاران زمام امور این ملت را به دست آرند و مال خدا را دست به دست گردانند و بندگان او را بردگان خود گیرند و با صالحان به دشمنی برخیزند و فاسقان را حزب خود قرار دهند» (نامه ۶۲). از این جهت به عقیده‌ی امام علی

علیه‌السلام، داشتن تخصص، توان، لیاقت و شایستگی در مدیران از شاخصه‌های عدالت است و این اصل مهم‌ترین اصل اداره جوامع است. آن حضرت معتقد بود تصاحب پست‌ها بدون شایستگی صاحبان آن جامعه را از مسیر رشد، توسعه و کمال باز خواهد گذاشت (نصرافهانی، ۲۰۱۰: ۱۴۷).

وفای به عهد و پرهیز از وعده‌های غیر قابل تحقق

یکی از آسیب‌هایی که به رابطه مردم و مسئولان لطمه می‌زند و موجب بدبینی مردم و در نتیجه آنومی سیاسی می‌گردد، عمل نکردن به وعده‌هاست. متأسفانه امروزه وعده و وعیدهای غیر واقعی توسط برخی از مسئولین در جامعه به یک روند، رویکرد و سنت ناصحیحی تبدیل شده است که اولاً مردم را به سایر مسئولین و قوانین نظام سیاسی بی‌اعتماد کرده است و ثانیاً انگیزه مشارکت و کنش جمعی را در مواقع حساس از جمله شرکت در انتخابات تضعیف نموده است. حضرت علی(ع) در این باره می‌فرماید: «بی‌وفایی از هر کس زشت است و از شخص قدرتمند و سلطان زشت‌تر است» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق: ۱۰۱).

حضرت همواره به کارگزاران خود تأکید می‌فرمودند که هرگز در خلاف وعده‌های خود عمل نکنند. در عهدنامه‌ی مالک اشتر به او می‌فرماید: «از این که به مردم وعده‌دهی و سپس تخلف کنی پرهیز کن، زیرا خلف وعده موجب خشم خدا و خلق است». همچنین در فراز دیگری از این عهدنامه آمده است که حاکم بایستی «به هیچ قیمتی تعهدات خود را زیر پا نگذارد و عهد و پیمان خود را نشکند، هر چند که جان خود را سپر تعهدات خویش سازد» (نامه ۵۳).

کیفر کارگزاران رشوه‌گیر و خیانت‌پیشه

رشوه‌خواری کارگزاران از جمله آسیب‌های اجتماعی است که شیوع آن مشروعیت حکومت و قوانین را زیر سؤال می‌برد و مردم اعتمادشان را به قوانین و متولیان قانون از دست خواهند داد. بنا بر همین اهمیت، علی‌علیه‌السلام، کارگزاران را از پذیرش هدیه منع می‌فرمودند که «اگر زمامدار هدیه بپذیرد، خیانتکار باشد؛ و اگر رشوه قبول کند پس او مشرک است» (ابن‌بابویه، ۱۴۰۶ق: ۲۶۱). همچنین وقتی شخصی همراه با ظرفی پوشیده از حلوا خدمت امام علیه‌السلام آمد ایشان به او فرمودند: «هدیه است یا زکات یا صدقه؟ گفت هدیه است، امام علی‌علیه‌السلام در پاسخش فرمود: آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفریبی؟ یا عقلت آشفته شده ...» (خطبه ۲۲۴). از نحوه برخورد امام و عدم پذیرش هدیه این نکته دریافت می‌شود که حکومت امام علی‌علیه‌السلام مانند حکومت سلاطین جبار نیست که عده‌ای برای در امان ماندن از شرّ امرا و استفاده از مزایای حکومتی برای آنان هدایایی می‌بردند.

ارجحیت اصول و قوانین بر مصلحت‌اندیشی‌ها

پیروی از اصول و قوانین در هیچ شرایطی نباید قربانی توجیحات و مصلحت‌های موقت سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی شود. انحراف از اصول و حق‌مداری به خاطر مصلحت‌اندیشی‌های نابه‌جا و رونیایی

جز به ظلم، بی‌عدالتی، تبعیض و نهایتاً قانون‌گریزی و تقویت آنومی سیاسی در جوامع منجر خواهد شد. سیطره و ترجیح مصلحت بر عدالت، همواره مسبب مسائل و مشکلات در نظام‌های سیاسی بوده است. مقابله سرسختانه امام علی علیه‌السلام با خواسته‌های نامشروع طلحه و زبیر جهت احراز منصب و قدرت در حکومت، عدم تعهد طلحه و زبیر و ... را به دنبال داشت، به طوری که به جنگ علیه امام منتهی شد. این مسأله نشان می‌دهد که مهم‌ترین هدف اجتماعی امام علی علیه‌السلام برگسترش عدالت اجتماعی و گرفتن حق ستمدیدگان، تحقق یافته بود؛ و این همان داروی حیات‌بخشی است که غالباً در کام افراد بی‌خبر و فرصت طلب، تلخ است. همچنین در دوره حکومت علی علیه‌السلام، برخی از یاران نزد امام آمدند و از باب مصلحت‌اندیشی به امام توصیه کردند که حضرت نیز چون معاویه هدایا و پول‌های زیادی به اشراف بپردازد تا حمایت آنها را جلب کند، حضرت در پاسخ، این گونه خطاب فرمودند: «می‌گویید پیروزی و تثبیت حکومت را به قیمت تبعیض و ستمکاری به دست آورم؟ به خدا سوگند هرگز چنین کاری نخواهم کرد و عدالت را به پای سیاست و سیادت قربانی نخواهم ساخت. اگر همه این اموال عمومی از آن خودم بود و می‌خواستم میان مردم تقسیم کنم، هرگز تبعیض روا نمی‌داشتم تا چه رسد که مال، مال خداست و من امانت‌دار خدایم. آگاه باشید که بخشیدن مال به آنانی که استحقاق ندارند، زیاده‌روی و اسراف است؛ اگر چه در دنیا ممکن است مقام بخشنده آن را بالا ببرد و مردم گرامی‌اش بدارند، اما در آخرت، پست و در پیشگاه خدا خوار و ذلیل خواهد بود» (خطبه ۱۲۶).

حساسیت نسبت به بیت‌المال

عنوان بیت‌المال در دو جا کاربرد دارد: مکانی که اموال عمومی متعلق به همه‌ی مسلمانان در آن‌جا فراهم و نگهداری می‌شود تا در مصالح عامه صرف گردد و دوم، اطلاق به خود اموال نگهداری شده. کارگزاران بیت‌المال باید به عنوان امانتداران، تمام تلاش خود را بکنند تا این اموال حفظ و در موارد خاص خود مصرف شود (ویکی فقه). هرگونه تصرف مالکانه در این اموال نه تنها حرام بوده و مجازات اخروی به دنبال دارد بلکه یاس و بدبینی مردم به نظام و مسئولین را در پی خواهد داشت.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام حساسیت به این مسأله را این گونه گوشزد فرموده‌اند: «به خدا سوگند! آنچه بیهوده از بیت‌المال مسلمین به این و آن بخشیده، اگر بیابم، به صاحبش باز می‌گردانم، اگر چه زانی را به آن کابین بسته و یا کنیزانی را با آن خریده باشند، زیرا عدالت گشایش می‌آورد، و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ظلم و ستم بر او گرانتر خواهد بود!» (خطبه ۱۵). همچنین علی علیه‌السلام در خطاب معروف خود به برادر بزرگترشان عقیل، که مقدار کمی گندم اضافه‌تر از سهم خود درخواست کرده بود، می‌فرمایند: «به خدا قسم عقیل را در فقری جانکاه دیدم ... سپس تکه‌آهنی را برای او گذاختم، نزدیک بدنش بردم تا عبرت گیرد. از درد آن مانند بیماری بنالید که نزدیک بود از اثر آن بسوزد. به او گفتم: ای عقیل، مادران در سوگ تو بگریند، آیا از پاره‌ی آهنی که آدمی آن را به بازی گذاخته ناله می‌کند و مرا به سوی آتشی که خداوند آن را به خشم خود فروخته می‌کشد؟ آیا تو از این رنج، ناله

می‌کنی و من از آتش دوزخ ننالَم؟» (خطبه ۲۲۴). براین اساس حضرت بدون توجه به مسائلی مانند نسب و شرف، سخت‌گیری زیاد در مصرف بیت‌المال و تساوی حقوق از خطاها و انحرافات که مربوط به حقوق مردم و بیت‌المال، می‌شد چشم‌پوشی نمی‌کردند.

پرهیز از ویژه‌خواری و سوءاستفاده از موقعیت‌های حاکمیتی

استفاده شخصی مسئولان و کارگزاران حکومتی از القاب و عناوین حکومتی، از عوامل مهم دیگری است که می‌تواند در عمیق‌تر شدن آنومی سیاسی و بدبین کردن مردم به مسئولین و قوانین تأثیر بگذارد. حضرت در نامه‌ای که به مخنف بن سلیم (فرماندار اصفهان) نوشته‌اند، مأموران مالیاتی را این‌گونه مورد خطاب فرموده‌اند: «بدان برای تو در این زکاتی که جمع می‌کنی سهمی معین، و حقی روشن است، و شریکانی از مستمندان و ضعیفان داری، همانگونه که ما حق تو را می‌دهیم. تو هم باید نسبت به حقوق آنان وفادار باشی، اگر چنین نکنی در روز رستاخیز بیش از همه دشمن داری» (نامه ۲۶).

نکته‌ی دیگری که در ذیل بحث ویژه‌خواری بایستی مورد توجه قرار گیرد به مراقبت از «اطرافیان» مسئولین مربوط است. اگر شهروندان یک جامعه ببینند یا احساس کنند که احدی از اطرافیان مسئولین (اعم از فرزندان، اقوام و آشنایان) صرفاً به دلیل نسبت با شخص مسئول، از امتیازات ویژه‌ای بهره‌مند شده است، یا مثلاً قانون آن‌طور که باید درباره آنها اجرا می‌گشت، اجرا نشده است، ضمن بدبینی به مسئولین جامعه در تقویت رفتارهای قانونگریزانه شهروندان مؤثر خواهد بود. حضرت امیر علیه‌السلام این مسأله را این‌گونه به مالک گوشزده نموده است: «و بدان، که والی را خویشاوندان و نزدیکان است و در ایشان خوی برتری جویی و گردنکشی است و در معاملت با مردم رعایت انصاف نکنند. پس ریشه ایشان را با قطع موجبات آن صفات قطع کن. به هیچ یک از اطرافیان و خویشاوندانت زمینی را به اقطاع مده، مبادا به سبب نزدیکی به تو، پیمانی بندند که صاحبان زمین‌های مجاورشان را در سهمی که از آب دارند یا کاری که باید به اشتراک انجام دهند، زیان برسانند و بخواهند بار زحمت خود، بر دوش آنان نهند. پس لذت و گوارایی، نصیب ایشان شود و ننگ آن در دنیا و آخرت بهره تو گردد» (نامه ۵۳).

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح شده، آنومی سیاسی از مسأله‌های مهم جوامع امروزی است که در صورت بی‌توجهی و غفلت مسئولان، می‌تواند دولت‌ها را دستخوش چالش‌هایی همچون هرج و مرج اجتماعی، بی‌اعتمادی، قانون‌گریزی و کاهش مشروعیت قرار دهد. پرداختن به این مسأله در کشور جمهوری اسلامی ایران، بنا به دلایلی همچون، نوع خاص نظام سیاسی، شیطنتها و دشمنی‌های همه‌جانبه جهان استکبار، از ضرورت ویژه‌تری برخوردار است.

طبق نظر جامعه‌شناسان، همان‌طور که عوامل ایجاد آنومی سیاسی ریشه در دو حوزه دگرگونی‌های اجتماعی و قوانین ناعادلانه دارد، راهکارهای مواجهه با این پدیده نیز بایستی بر ترمیم این حوزه‌ها تمرکز

یابد. در حوزه اول می‌توان با معرفی شیوه‌های زندگی جدید و همچنین اتخاذ رویه‌ها و اقداماتی مانند احترام به فرهنگ، قوانین و سنت‌های گذشتگان و احیای امر به معروف و نهی از منکر در جهت تقلیل پیامدهای این مسأله کوشید.

در حوزه دوم (بخش قوانین و عملکرد مسئولین)، مواردی همچون متناسب‌سازی قوانین با توانایی‌ها و قابلیت‌های شهروندان، ارتقای روحیه بردباری در مدیران و مسئولین نظام، ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت‌های اجتماعی، ساده‌زیستی مسئولین، نهادینه کردن تفکر انتقادی در جامعه، رعایت اصل شایسته‌سالاری، برخورد با مسئولین رشوه‌بگیر، ارجحیت اصول و قوانین بر مصلحت‌اندیشی‌ها، ارتقا و تقویت روحیه حساسیت به بیت‌المال و استفاده صحیح از مناصب و موقعیت‌های حکومتی از جمله اقداماتی هستند که اتخاذ آنها تا حد قابل توجهی نظام‌های سیاسی را از آسیب‌های آنومی سیاسی در امان نگه خواهد داشت.

References

- *Holy Qur'an*, translator: Mahdi Elahi Qomshei, Qom: Khatam al-Anbia.
- *Nahj al-Balagha*, Sharif Razi, Muhammad bin Hossein (2010). Translator: Hossein Ansarian, Qom: Dar al-Irfan.
- Abu Tarabi, Ali. (2007). *Criticism of normal criteria in psychology: with a view to Islamic sources*, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications (RA), Iran: Tehran.
- Agha Jamal Ansari, Muhammad bin Hossein (1987). *Agha Jamal Ansari's Commentary on Gharral al-Hukm and Darr al-Kalam*, edited by: Jalaluddin Armadi Hosseini, Tehran: University of Tehran.
- Alikhani, Ali Akbar (1998). "Characteristics of desirable society from Imam Ali's point of view". *Islamic University Quarterly*. No. 5, 28-44.
- Alkalini, Muhammad bin Yaqub (1990). *Usul al-29Kafi*. Compiled, revised and commented on: Mohammad Jaafar Shams al-Din Al-Magal 7. Beirut: Dar al-Taarif for publishing.
- Amjadian, Firoz (2005). "Investigating the potential of anomie and its occurrence in Kermanshah city". *Political Science Bulletin*, No. 24, 85-100.
- Bashiriyeh, Hossein (2005). "On the verge of political anomie in Iran". *Management and development process*. No. 62, 22-29.
- Dashti, Mohammad (2013). *Translation of Nahj al-Balagha. Second edition*. Qom: Amir al-Momenin (AS) Cultural Research Institute.
- Dehghani, Farzad (2014). "Ways to avoid the vortex of sedition from the point of view of Nahj al-Balagheh". *Ethics Quarterly*. No. 18, 66-37.
- Dehghanian, Hamid (2019). "Anomie's effect on making life easier". *Sadra Islamic Humanities Journal*. No. 33, 155-143.

- Durkheim, Emile (2009). *Division of social work*. Translator: Baqer Parham, Tehran: Nei Publications.
- Farhadi Mohali, Ali (2013). “An analytical study of the phenomenon of globalization, focusing on the field of culture”. *Strategic studies of public policy making*. No. 5, 64-85.
- Ghasemi Moghadam, Hassan, Hosseinjani, Bahman and Khodakarmi, Fawad (2014). “The effect of anomie and criminal ecology on street crimes in Ahvaz city from 1988 to 1993”. *Journal of legal and criminal research*. No. 26, 103-128.
- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid ibn Hebaullah (1983). *Commentary on Nahj al-Balaghah by Ibn Abi al-Hadid*, revised by: Muhammad Abulfazl Ibrahim, Qom: Ayatollah Marashi al-Najafi school.
- Ibn Baboyeh, Muhammad Ibn Ali (1985). *Rewards of Actions and Rewards of Actions*, Qom: Dar al-Sharif Publishing House.
- Jalalpour, Shahreh; Pai Fard, Kianoosh and Fallah, Mohammad (2014). “The decline of the nation-state concept in the age of globalization”. *Quarterly Journal of International Political Research, Islamic Azad University, Shahreza Branch*. No. 23, 35-66.
- Jamshidi Rad, Jafar (2008). “Globalization and the position of the public sector”. *Political Studies Quarterly*. No. 1, 154-135.
- Janipour, Mohammad; Shokrani, Reza (2012). “Results of using qualitative content analysis method in understanding hadiths”, *Journal of Qur'an and Hadith Research*. No. 2, 27-57.
- Kaldi, Alireza, Rahmani, Ali (2006). “Factors affecting youth abnormality”. *Social Welfare Quarterly*. No. 27, 212-292.
- Karimi, Mehdi, Jafari Koushki, Tawheed and Dabaghi, Javad (2021). “Analysis of the impact of the anomic situation of the Iranian society on the unfavorable indicators of peace in the country” (on the horizon of 2021). *Geopolitics Quarterly*. No. 2, 225-255.
- Karimian, Alireza, Ghafouri Koleh, Sayedah Masoumeh (2019). “The role of social capital in the level of political alienation of Tehrani citizens”, *Iran's political sociology*. No. 12, 171-198.
- Karmi Naveh Kash, Mohsen, Alipour, Abbas (2013). “Globalization and its impact on the political and security structure of third world countries”, *specialized scientific quarterly of political research*. No. 10, 116-141.
- Khadrello, Gholam Reza, Moulai, Soheila (2013). Grounding media strategy in dealing with cultural anomie. *Proceedings of the Seventh International Conference on Mahdavit Doctrine*, pp. 409-440. Qom: Ainde Roshan Institute.
- Khairullahi, Goddess (2011). *Norm avoidance in cultural and social events from the perspective of Nahj al-Balagha*. Supervisor: Reza Saadat Niya, University of Quranic and Atrat Studies.
- Mousavi Bojanvardi, Seyyed Mohammad, Rouhani, Samia (2013). “The indicators of judicial justice from the perspective of Amir al-Mu'minin Ali (AS) with an approach to the opinions of Imam Khomeini (AS)”. *Matin Research Journal*, No. 50, 19-43.
- Naghi Amiri, Ali (2016), *Managers' Behavior in Nahj al-Balagheh*, Qom: Hozva and University Research Institute.
- Nasr Esfahani, Mehdi, Nasr Esfahani, Ali (2010). “Meritism in the management of society with emphasis on the political thoughts of Imam Ali (AS)”. *Marafet al-Sahiyah magazine*, number 2, 141-160.

- Navabakhsh, Mehrdad, Norian Far, Ezaluddin (2015). “Investigating factors affecting the feeling of political anomie (abnormality) case study: citizens of Ilam province”. *Quarterly scientific research journal of social sciences, Islamic Azad University, Nowshahr branch*. No. 4, 1-32.
- Parvin, Sattar (2015). Institutional anomie of the family as a source for the pattern of development and progress. *In the Proceedings of the 5th Iranian Islamic Model of Progress Conference, 1690-1699*. Mashhad: Ferdowsi University.
- Poyafar, Mohammad Reza (2018). “Anomie and perversity in the society in transition; A study of a problem in Semnan city, Quarterly Journal of Order and Security”, No. 2, 55-87.
- Qavam, Abdul Ali (2000). “The crisis of meaning in the age of globalization”. *Foreign Policy Quarterly*. No. 3, 646-635.
- Rafipour, Farmarz (1999). *Anomie or social disorder, a research on the potential of anomie in Tehran*. Tehran: Soroush (Seda and Cima Publications).
- Rahbar, Abbas Ali (2022). “Understanding the political problematology of the government in the Islamic Republic of Iran. *Government Research*”. Year 8, Number 30, 133-161.
- Rajabzadeh, Ahmed; Kothari, Masoud (2012). “Political anomie in Iran based on the opinion of Tehrani citizens”. *Social Sciences*. Volume 11, 319-348.
- Rajabzadeh, Ahmed; Kothari, Massoud (2011). “Political anomie in Durkheim's thought”. *Journal of social and human sciences*. Volume 19, 31-45.
- Saree OL-Qalam, Mahmoud (2016). *Rationality and the Future of Iran's Development*, Tehran: Middle East Studies Research Center.
- Sedaghati Fard, Mojtaba (2010). “A study of political anomie among Iranian students”. *Journal of political studies*. No. 11, 117-142.
- Sheikh Hor Amili, Muhammad bin Hasan (1988). *Wasal al-Shia*, Qom: Al-AI-Bayt Institute (A.S.).
- Shiani, Maleeha; Mohammadi, Mohammad Ali (2006). “Sociological analysis of the feeling of economic anomie among young people”. *Social Welfare*. No. 25, 11-37.
- Shiani, Maleeha; Mohammadi, Mohammad Ali (2008). “An analysis of the feeling of personal anomie among young people with an emphasis on gender”. *Journal of Sociology of Social Issues of Iran (Iranian Social Science Research)*. No. 3, 21-34.
- Tamimi Amadi, Abd al-Wahed bin Muhammad (1989). *Revised by Seyyed Mahdi Rajaei*, Qom: Darul Kitab al-Islami.
- Zamani, Mustafa (1990). *Divan of Imam Ali (a.s.)* (poems attributed to Imam Ali (a.s.)). Qom: Advice.
- Ziviar, Farhad; Jokar, Hamed (2017). “Explanation of social developments from the perspective of Imam Ali (a.s.) in Nahj al-Balagha”. *Alavi research paper*. No. 1, 43-70.